

Futuring of the Evolution of the Concept of Minority in International Law Literature

Ahmad Kazemi

PhD in International Law, Islamic Azad University of Qom, Iran
ahmadkazemi56_stu@qom-iau.ac.ir

Mohammad Ali Kafaefar⁻

Assistant Professor of Islamic Azad University, Qom, Iran
(Corresponding Author) ma.kafaefar@gmail.com

Abstract

Purpose: The "minority" has evolved in form and content since it was first introduced in the Treaty of Augsburg in 1555. After the "religious minority", the "ethnic minority" entered international law with the Vienna Document of 1815, the "linguistic minority" with the decision of the Permanent Court of 1935 and with the ratification of Article 27 of the 1966 Covenant and the "national minority" with the 1992 Declaration. The minority has evolved conceptually and formally, especially the condition of citizenship. The purpose of this paper is to study the future evolution of the concept of minority in international law.

Method: By accepting the principles of descriptive and analytical methods, the research uses the interrogative strategy and the method of "extension of the present to the future", which is one of the methods of futures studies.

Findings: Relying on the theory of multiculturalism, the possible futures of minority evolution are to reduce the role of the four traditional elements of religion, ethnicity, language, and national origin in identifying minorities and to increase the role of "distinction in habits, beliefs, and behaviors."

Conclusion: The study of the Propellants shows that in the "probable future", there is activism in Western countries for the entry of new groups such as misguided sects and homosexuals into the legal circle of minorities. To prevent this process contrary to "public order", the legal cooperation of the member states of the Organization of Islamic Cooperation, especially in the "Human Rights Committee" and the "Forum on Minority Issues" is necessary.

Keywords: Futures Studies, Minority, International Law, Formal and Content Evolution.

دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران

مقاله پژوهشی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹ صفحه: ۱۳۹-۱۶۲

آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت در ادبیات و مباحث حقوق بین‌الملل^۱

احمد کاظمی

دانش آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران، ahmadkazemi56@gmail.com

محمدعلی کفایی فر^۲

استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران (نویسنده مسئول) ma.kafaeifar@gmail.com

چکیده

هدف: از نخستین بار که «اقلیت» مذهبی در قالب معاهده اوگسبورگ (۱۵۵۵) مطرح شد، مفهوم آن تاکنون بارها از بُعد شکلی و محتوایی تطور یافته است. پس از «اقلیت مذهبی»، به ترتیب، «اقلیت قومی» با سند کنگره وین (۱۸۱۵)، «اقلیت زبانی» با رای مشورتی دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی (۱۹۳۵) و همچنین با تصویب ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، و «اقلیت ملی» با «اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی» (۱۹۹۲) وارد حقوق بین‌الملل شدند. در این فرایند اقلیت از منظر مفهومی نیز به‌ویژه از بُعد لغو شرط تابعیت دچار تطور شد. هدف این نوشتار، آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت در حقوق بین‌الملل است. **روش:** این پژوهش با پذیرش اصول شیوه توصیفی و تحلیلی، از راهبرد استقفا می و روش «امتداد حال به آینده» که یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است، استفاده می‌کند.

یافته‌ها: با اتکاء به نظریه چندفرهنگ‌گرایی، محور آینده‌های محتمل در تداوم تطور شکلی و محتوایی مفهوم اقلیت، کاهش نقش عناصر چهارگانه عرفی مذهب، قومیت، زبان و منشأ ملی در شناسایی اقلیت‌ها و افزایش نقش مؤلفه «تمایز در عادات، باورها و رفتارها» است.

نتیجه‌گیری: بررسی پیشران‌ها نشان می‌دهد که در «آینده محتمل»، کنش‌گری کشورهای غربی برای ورود گروه‌های جدید، نظیر فرّغ غیر رسمی و همجنس‌گراها، به دایره حقوقی اقلیت‌ها وجود دارد. برای جلوگیری از این روند مغایر با «نظم عمومی»، همکاری حقوقی دول عضو سازمان همکاری اسلامی به‌ویژه در «کمیته حقوق بشر» و «مجمع مربوط به امور اقلیت» ضروری است.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، اقلیت، حقوق بین‌الملل، تطور شکلی و محتوایی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «معاشناسی مفهوم اقلیت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر» است.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۷/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۵/۸

۱- مقدمه

واژه اقلیت از جمله واژه‌هایی است که در اسناد بین‌المللی عام و خاص حقوق بشر به کار رفته است. پرکاربردترین واژه اقلیت در این اسناد، اقلیت مذهبی و قومی و کم‌کاربردترین آن اقلیت زبانی و ملی است.

اقلیت‌های مذهبی و قومی قدیمی‌ترین نوع اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل است. به لحاظ نظری توسعه اقلیت‌های مذهبی حاصل مباحث کلیسا و رویارویی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها بوده است. توسعه نظری اقلیت‌های نژادی و قومی در حقوق بین‌الملل، متأثر از فرایند دولت و ملت‌سازی در غرب است که با قرارداد وستفالی (۱۶۴۸) آغاز شد. علی‌رغم اختلاف نظرها درباره مفهوم اقلیت و رویکرد سیاسی کشورها به آن، در قرن بیستم ابتدا «اقلیت زبانی» با تصویب ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و «اقلیت ملی» با تصویب «اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی» (۱۹۹۲) وارد حقوق بین‌الملل شدند. «تمایز با اکثریت از منظر مذهب، قومیت، زبان و منشأ ملی» مؤلفه اصلی در شناسایی چهار نوع اقلیت مذهبی، قومی، زبانی و ملی در حقوق بین‌الملل است که می‌توان از آنها به عنوان اقلیت‌های چهارگانه عرفی نام برد. فرانسیسکو کاپوتورتی گزارشگر «کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها»، تأکید می‌کند: «اعضای اقلیت، به عنوان اتباع کشور، دارای خصوصیات متمایز قومی، مذهبی یا زبانی متفاوت از بقیه مردمند و برای نشان دادن احساس همبستگی، ولو به طور ضمنی به حفظ فرهنگ، سنت‌ها، دین و زبان خود تمایل دارند» (Capotorti, 1985: 37).

به موازات توسعه شکلی اقلیت، در مؤلفه‌های عینی و ذهنی اقلیت نظیر تابعیت و قدمت سکونت نیز تغییراتی ایجاد شده است. لغو شرط تابعیت توسط کمیته حقوق بشر در اظهارنظر عمومی ۱۹۹۴، دایره حقوق گروه‌های مورد حمایت را به پناهندگان، مهاجران، کارگران خارجی توسعه داد. همچنین تأکید شد که مفهوم اقلیت مفهومی عینی و فارغ از شناسایی یا عدم شناسایی توسط دولت است. (Pejic, 1997: 687)

تطور مستمر و پویای مفهوم اقلیت در حقوق بین‌الملل، این پرسش را مطرح می‌کند که توسعه شکلی و محتوایی اقلیت در حقوق بین‌الملل چه چشم‌اندازی دارد؟ آیا با توجه به رویه تفسیری کمیته حقوق بشر، و ورود برخی گروه‌ها نظیر همجنس‌گراها به عنوان اقلیت به قوانین ملی کشورهای غربی، احتمال اینکه اقلیت‌های جدید بر اقلیت‌های چهارگانه افزوده شود، وجود دارد؟ این نوشتار با هدف آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت در حقوق بین‌الملل، با کاربست نظریه چندفرهنگ‌گرایی و روش آینده‌پژوهی «امتداد حال به آینده» و ترسیم آینده‌های محتمل و

مفروض، درصدد پاسخ به پرسش مذکور و ارائه پیشنهاد است. ضرورت موضوع از آن جهت است که علی‌رغم تدوین کتب و مقالات متعدد درباره حقوق اقلیت‌ها نظیر: حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل (ستار عزیزی)، حمایت از حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در حقوق بین‌الملل (موسی کرمی)، تحلیل قاعده منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل (حسین شریفی طرازکوهی)، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها (پاتریک ترنبری) و (شهروندی چندفرهنگی (ویل کیملیکا)؛ به‌لحاظ پیشینه، نوشتاری از منظر «آینده‌پژوهی تطور اقلیت در حقوق بین‌الملل» انجام نشده است.

۲- روش پژوهش

این نوشتار از روش «امتداد حال به آینده استفاده می‌کند. مدل مرسوم در آینده‌پژوهی در مطالعات اجتماعی، سیاسی و حقوقی، مطالعه روندها و رویدادهای گذشته و حال و سپس امتداد و تعمیم روندها و رویدادهای مؤثر در گذشته و حال به آینده است. (Sweeney, 2016: 7) الگوی امتداد حال با داشتن مراحل هفت‌گانه، شیوه‌ای علمی و کاربردی در ترسیم آینده‌های محتمل از میان آینده متعدد ممکن است.

۲-۱- درخت ارتباطات: در این مرحله آینده‌های بی‌شمار ممکن و باورپذیر با فرض تحقق آنها و نتایج ممکن بعدی ترسیم می‌شود ولو اینکه احتمال بسیار کمی داشته باشند. (Slaughter, 2005) درخت وابستگی، ابزاری قدرتمند برای نمایاندن جزئیات یک موضوع در شرایط فعلی و آینده است. (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۲۰۰)

۲-۲- پویش افقی: محقق در پویش افقی به شناسایی روندها و رویدادهای گذشته و حال می‌پردازد. (Bruke, 2004: 13) آینده‌پژوه بدون ترسیم درخت ارتباطات نیز می‌تواند وارد پویش افقی شود.

۲-۳- پایش عمودی: در این مرحله برای شناسایی روندها و رویدادهایی که در آینده منشأ تأثیر خواهند بود، برون‌یابی انجام می‌شود. (Lindgren, 2003: 62) در برون‌یابی تأثیر متقابل روندها و رویدادها بر یکدیگر مشخص می‌شوند.

۲-۴- استخراج پیشران‌ها: پیشران‌ها همان رویدادها و روندهایی هستند که با راهبردی استفهامی و استقرایی برون‌یابی شده‌اند و امروز را به سمت آینده به پیش می‌برند.

۲-۵- آینده‌های محتمل: در این مرحله با استفاده از پیشران‌ها و با رویکرد اکتشافی، آینده‌های محتمل ترسیم می‌شوند. برخلاف آینده‌های محتمل، آینده‌های ممکن فاقد پیشران هستند.

۲-۶- سناریوپردازی: آینده‌پژوه با رویکرد هنجاری، آینده‌های محتمل را به سناریوهای مطلوب، نامطلوب، مرجح و قابل تحمل تبدیل می‌کند. (لیندگرن، ۱۳۸۶: ۴۵) طراحی سناریو با

آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت در ادبیات و مباحث حقوق بین‌الملل ۱۴۳/

نگاه به نیروهای پیشران یعنی نیروهایی که بر حوادث و رویدادها تأثیرگذارند، شروع می‌شود. (نیوری‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۷)

۲-۷- تجویز و اقدام: در مرحله پایانی راهکارهای جلوگیری از تحقق سناریو نامطلوب و مسیر رسیدن به سناریو مرجح ارایه می‌شود. به این منظور آینده‌پژوه به حال بازمی‌گردد و پیشنهادهایی ارائه می‌دهد. (Fahey, 1998: 19)

۳- نظریه چندفرهنگ‌گرایی

نظریه چندفرهنگ‌گرایی بر شهروندی دموکراتیک در دولت‌های چندفرهنگی تأکید دارد. (Kymlicka, 2010: 394) جوزف فورنیوال (Joseph Fournival) و ام.جی. اسمیت معتقدند لازمه جامعه کثرت‌گرا، تحمل تفاوت‌ها و احترام به آنهاست که موجب صلح و همبستگی میان گروه‌ها می‌شود. (حبیب‌نژاد، ۱۳۹۵: ۷۳) رکس تأکید می‌کند چندفرهنگ‌گرایی سیاستی است که معتقد است یک حوزه انجمنی شامل زبان، مذهب، رسوم و عادات در جامعه وجود دارد که حکومت نباید در آن مداخله نماید. (کریمی مله، ۱۳۸۶: ۲۱۷) موضوع کانونی چندفرهنگ‌گرایی مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن و مسئله تکثر فرهنگی - هویتی و نسبت آن با انسجام ملی، تنوع اقلیت‌ها و حقوق آنها و سیاست‌گذاری عمومی است که به مسئله گریزناپذیر دولت‌ها تبدیل شده است. (میلنر، ۱۳۸۵: ۳۲۸) کیملیکا معتقد است با توسعه نظریه چندفرهنگ‌گرایی لیبرال، هنجارهای جدیدی درباره حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل مطرح شده است. (Kymlicka, 2010: 379)

۴- فرایند تطور شکلی اقلیت‌های مذهبی، قومی، نژادی، زبانی و ملی

برای شناسایی روندها و رویدادهای گذشته و حال مفهوم اقلیت در چارچوب پویش افقی روش «امتداد حال به آینده»، فرایند تطور اقلیت را می‌توان در شش دوره بررسی کرد:

۴-۱- دوره اول: از پیمان صلح آوگسبورگ (۱۵۵۵) تا کنگره وین (۱۸۱۵)

در این دوره مفهوم اقلیت برای اولین بار در قالب «اقلیت مذهبی» با پیمان‌های اروپایی صلح آوگسبورگ (۱۵۵۵) و معاهدات وستفالی (۱۶۴۸)، صلح اولیوا (The Treaty or Peace of Oliva) (۱۶۶۰) و نیجمگان (Treaties of Nijmegen) (۱۶۷۸) وارد روابط و حقوق بین‌الملل معاهده‌ای شد.

در پیمان آوگسبورگ (Augsburg)، برهمزیستی دو فرقه مذهبی لوترانیسم و کاتولیک در پروس تأکید شد. (Hough, 2019: 213) سه معاهده وستفالی، صلح اولیوا و نیجمگان را

دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹ صفحه ۱۳۹-۱۶۲

بسیاری از حقوق‌دانان شروع حمایت رسمی از افراد اقلیت می‌دانند. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۲۹) براساس معاهده اولیوا میان سوئد با اتحادیه لهستان، لیتوانی و پروس، کاتولیک‌های پروس که در سوئد در اقلیت بودند، از آزادی مذهبی برخوردار شدند. (surhone, 2010: 178) در پیمان نیج‌مگان (Treaties of Nijmegen) (۱۶۷۸) آزادی مذهبی اقلیت کاتولیک در آن بخش از سرزمین‌هایی که از سوی فرانسه تسلیم هلند شد، تضمین گردید. (castellino, 2016: 68) اقلیت مذهبی، گروهی است که «اعضای آن از دین، اعتقاد یا روش عبادت مشترکی برخوردارند». (Akayesu Case, 1998: para 515)

۴-۲- دوره دوم: از کنگره وین (۱۸۱۴) تا جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)

در این دوره «اقلیت قومی» و «اقلیت قومی ملی» وارد معاهدات بین‌المللی شد. در سند نهایی کنگره وین علاوه بر حقوق اقلیت مذهبی یهودیان، بر حقوق «اقلیت قومی ملی لهستانی» (Ethnonational Minority of Poles) در کشورهای پروس، اتریش و روسیه تاکید شد. (Krasner, 2018: 11) تقسیم لهستان میان روسیه، اتریش و پروس منجر به ایجاد اقلیت ملی لهستانی در سه کشور شد، اما در آن دوره به دلیل عدم شناسایی «اقلیت ملی» از واژه «اقلیت قومی ملی لهستانی» استفاده شد.

حدود چهار دهه پس از کنگره وین، در معاهده پاریس (۱۸۵۶) حمایت از اقلیت‌های مذهبی یهودی، مسیحی و اقلیت‌های قومی بالکان تبار در امپراتوری عثمانی و عدم تبعیض درباره آنها مورد تاکید قرار گرفت. (Zylfiu, 2015: 7) همچنین به دنبال استقلال صربستان، مونته‌نگرو و رومانی در ماده ۳۴ معاهده برلین (۱۸۷۸) تاکید شد که اقلیت مسلمان در صربستان و مونته‌نگرو باید حقوق خود را داشته باشند. (Thornbery, 1991: 31) ماده ۶۲ معاهده برلین از عثمانی می‌خواهد تا آزادی مذهبی و حقوق مدنی و سیاسی اقلیت‌های مذهبی و قومی ساکن در عثمانی را تضمین نماید. (Ortakovski, 1998: 62) ابداع «اقلیت قومی ملی» در سند نهایی کنگره وین (۱۸۱۵) و تاکید بر «اقلیت‌های قومی در کنار اقلیت‌های مذهبی» در سند نهایی کنگره‌های پاریس و برلین موجب تثبیت ورود اقلیت قومی و نژادی به ادبیات حقوقی و شناسایی این اقلیت‌ها در قوانین ملی برخی از کشورها نظیر مجارستان (۱۸۴۹) گردید. به اعتقاد «پانوف و پرن» اقلیت قومی «به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که به یک فرهنگ (زبان، آداب، رسوم) تعلق داشته و از این طریق شناخته می‌شوند». (پانوف، ۱۳۶۸: ۵۷)

۴-۳- دوره سوم: از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) تا جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵)

طی این دوره با ایجاد نظام حقوق خاص اقلیت‌ها تحت نظارت جامعه ملل و با محوریت انعقاد معاهدات حمایت از اقلیت‌ها، پارادیم اقلیت در سطح بین‌المللی و به‌طور جدی وارد حقوق بین‌الملل شد. رویکرد جامعه ملل باعث شد که در بعضی از پیمان‌های صلح مانند معاهده سن ژرمن (۱۹۱۹) به حقوق اقلیت‌ها پرداخته شود. در سال ۱۹۳۵، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در رای مشورتی خود در قضیه مدارس اقلیت در آلبانی، سه طبقه اقلیت زبانی، مذهبی و نژادی را مورد شناسایی قرار داد. (شریفی طرازکوهی و قره‌باغی، ۱۳۸۹: ۳۶)

مطرح شدن مفهوم «اقلیت ملی» و «اقلیت نژادی» در پیش‌نویس اولیه میثاق جامعه ملل و حذف آن به دلیل مخالفت اغلب کشورها، بین‌المللی شدن مفهوم اقلیت و خروج آن از بُعد منطقه‌ای، ورود حقوق اقلیت‌ها به قوانین ملی تعدادی از کشورها به دلیل تعهدات ناشی از معاهدات اقلیت، توسعه شکلی اقلیت‌ها از طریق آراء دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی (عزیزی، ۱۳۹۴: ۶۴) و وارد شدن «اقلیت زبانی» به دایره مصداقی اقلیت‌ها مهم‌ترین ویژگی این دوره محسوب می‌شوند.

۴-۴- دوره چهارم: از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) تا فروپاشی شوروی (۱۹۹۱)

در این دوره، موضوع اقلیت‌ها ذیل مباحث عام حقوق بشری مطرح گردید. در منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر، نامی از اقلیت برده نشده، ولی در مقدمه و مواد ۵۵، ۱۳ و ۷۶ منشور و ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر تساوی همه انبای بشر و برخورداری آنان از حقوق اساسی بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب تصریح شده است.

در این دوره فعالیت «کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها» که در ۱۹۴۷ و ذیل «کمیسیون حقوق بشر» تاسیس شده بود در توسعه پارادیم اقلیت نقش داشت. کمیسیون مذکور در ۱۹۵۰ اقلیت قومی را جایگزین اقلیت نژادی کرد؛ به دلیل اینکه صفت قومی از ویژگی‌های صرفاً فیزیکی و بیولوژیکی فراتر می‌رود و گستره وسیع‌تری از خصایص از جمله ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی را نیز در بر می‌گیرد. (Rehman, 2000: 14)

مهم‌ترین اقدام «کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها»، نقش‌آفرینی آن در تدوین ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) بود. این میثاق، اولین سند بین‌المللی بود که در آن کشورها در قالب ماده ۲۷ و با به‌کارگیری واژه «اقلیت‌ها»، سه اقلیت مذهبی، قومی و زبانی را شناسایی و بر حقوق آنها تاکید کردند.

۴-۵- دوره پنجم: از فروپاشی شوروی (۱۹۹۱) تا تاسیس گروه کاری اقلیت‌ها (۱۹۹۵)

به دلیل تأثیرات گسترده تصویب اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی (۱۹۹۲م)، تغییراتی که در پارادایم اقلیت در این دوره پنج ساله (۱۹۹۱-۹۵) ایجاد شد، بیش از تغییراتی می باشد که در پنج سده گذشته ایجاد شده بود. شروع این دوره با بالا گرفتن درگیری‌های قومی در اقصی نقاط جهان به ویژه بالکان، قفقاز، اوراسیا و افریقا همراه بود. تحت تأثیر این تحولات، مجمع عمومی با قطعنامه ۱۳۵/۴۷ اعلامیه «حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی» را در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۲ تصویب کرد که موجب تغییرات قابل توجه در پارادایم اقلیت شد. برای اولین بار با توافق کشورها واژه «اقلیت ملی» وارد یک سند بین‌المللی که مورد اجماع کشورهای مجمع عمومی (به غیر از ترکیه) بود، گردید. «اقلیت ملی» متشکل از افرادی است که منشأ ملی مشترک دارند، اما ممکن است تابعیت کشور دیگری را پذیرفته باشند. (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۶۹) اقلیت‌های ملی در نتیجه جنگ، تغییرات مرزی و مهاجرت‌های بزرگ به وجود آمده‌اند.

با گذشت سه دهه از تأکید اعلامیه ۱۹۹۲ بر اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی این چهارگونه اقلیت در حقوق بین‌الملل ویژگی عُرُفی پیدا کردند. تصویب اعلامیه مذکور موجی از تصویب اسناد منطقه‌ای حمایت از اقلیت‌ها به ویژه در اروپا با محوریت کنوانسیون چارچوب برای حمایت از اقلیت‌های ملی (۱۹۹۴) را ایجاد و موجب خیزش مجدد حقوق حمایتی اقلیت‌ها از ذیل «نظام عمومی حقوق بشر» به سوی «نظام خاص اقلیت‌ها» گردید.

۴-۶- دوره ششم: از تاسیس گروه کاری اقلیت‌ها (۱۹۹۵) تا ۲۰۲۰

دوره ششم مهم‌ترین دوره مرتبط با آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت است. اغلب روندهای تأثیرگذار یا پیشران‌های مربوط به چشم‌انداز آینده اقلیت به این دوره مربوط می‌شوند. «تداوم و تقویت گذار به نظام خاص اقلیت‌ها»، تاسیس «گروه کاری اقلیت‌ها» (۱۹۹۵)، تاسیس «مجمع مربوط به مسائل اقلیت» (۲۰۰۷)، افزایش نقش آفرینی تشکلهای غیردولتی در موضوع اقلیت‌ها، تضعیف نگاه سنتی به اقلیت و طرح دکترین‌های جدید مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره است. (Macklem, 2008: 93) ضمن اینکه «گزارشگر ویژه درمورد اقلیت‌ها» در ۲۰۱۴ تاسیس شد. گروه کاری اقلیت‌ها در ۲۰۰۵ با انتشار تفسیر رسمی اعلامیه ۱۹۹۲ در ۸۵ پاراگراف، علاوه بر توسعه ثغور حقوق اقلیت‌ها از حقوق فرهنگی، زبانی و مذهبی به حق مشارکت مؤثر در زندگی عمومی، حق تماس، حقوق اقتصادی و حق همگرایی برابری خواهانه، در تطور مؤلفه‌های عینی و ذهنی اقلیت نیز تأثیر گذاشت. پارادایم اقلیت در دوره ششم با سرعت زیاد در حال توسعه و تطور است. از دید نگارنده، این دوره دو ویژگی دیگر نیز دارد: یکی ورود تشکلهای غیردولتی

آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت در ادبیات و مباحث حقوق بین‌الملل / ۱۴۷

به موضوع اقلیت‌ها که نمود آن تصویب اعلامیه جهانی حقوق زبانی در ۱۹۹۶ توسط مؤسسات غیردولتی در بارسلونا بود و دیگری، افزایش اسناد منطقه‌ای حمایت از حقوق اقلیت‌ها به‌ویژه در اروپا است.

۷- فرایند تطور محتوایی اقلیت در حقوق بین‌الملل

به موازات تطور شکلی مفهوم اقلیت، عناصر عینی و ذهنی تشکیل‌دهنده اقلیت نیز دچار تطور محتوایی شده است. این تطور از منظر فردی یا جمعی بودن اقلیت، قدمت سکونت، تابعیت و شناسایی اقلیت قابل ارزیابی است.

در نظام بین‌المللی عام حقوق بشر بر حقوق شهروندی فرد تاکید می‌شود. متاثر از این موضوع، در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و اعلامیه ۱۹۹۲ اقلیت‌ها، از حقوق «اشخاص متعلق به اقلیت‌ها» نه «اقلیت‌ها» صحبت می‌شود. تاکید بر حقوق فردی، در شرایطی است که حقوق اقلیت، یک حقوق جمعی ویژه است. (Petričušić, 2005: 83) بر این اساس، گروه کاری اقلیت‌ها در تفسیر ۲۰۰۵ خود از اعلامیه ۱۹۹۲، با عدول از مؤلفه فردی بودن اقلیت تاکید کرد: «در حالی که در اعلامیه، حقوق مندرج به‌عنوان حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها تاکید می‌شود، اما وظایف دولت‌ها، به‌عنوان وظایف آنها نسبت به گروه‌های اقلیت تلقی می‌گردد». (E/CN.4/Sub.2/AC.5/2005/2: para 15)

عناصر سکونت به‌عنوان یکی از عناصر عینی اقلیت در حقوق بین‌الملل دچار تطور شده است. در گذشته اغلب کشورها معتقد بودند که اقلیت باید از قدمت سکونت برخوردار باشد. آنها قدمت سکونت را به موضوع «شهروندی یا تابعیت» ارتباط داده و در نتیجه یکی از شروط عینی اقلیت را «تابعیت» می‌خواندند. اما این رویکرد با رویکرد کمیته حقوق بشر همخوانی نداشت. از نظر کمیته حقوق بشر کارگران مهاجر که فاقد ویژگی قدمت سکونت هستند، می‌توانند به عنوان مصداق اقلیت از حقوق ماده ۲۷ منتفع شوند. (Pejic, 1997: 687) مباحث بر سر عناصر عینی سکونت و قدمت آن، منجر به تقسیم‌بندی اقلیت به دو دسته اقلیت قدیم و جدید شده است. (E/CN.4/Sub.2/AC.5/2005/2: para 11)

مؤلفه تابعیت به‌عنوان یکی از عناصر عینی اقلیت نیز دچار تطور شده است. در تعریف کاپوتورتی، بر شرط تابعیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اقلیت تاکید شده است. (Capotorti, 1985: 78) اختلافات تفسیری که راجع به واژه «زیستن» (exist) در ماده ۲۷ «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» و اعلامیه ۱۹۹۲ اقلیت‌ها، و همچنین واژه «ساکن» (inhabited) در عبارت «اقلیت‌های... ساکن» در «کنوانسیون اروپایی چارچوب برای حمایت از اقلیت‌های ملی» مطرح بوده با موضوع تابعیت ارتباط دارد. کشورهای طرفدار ایده «شرط تابعیت» در شناسایی افراد

متعلق به اقلیت، از واژه‌های مذکور، مفهوم «قدمت سکونت» را که حاکی از دارا بودن تابعیت است، برداشت می‌نمایند. حتی در مکانیسم‌های منطقه‌ای اروپا درباره اقلیت‌ها، برخی از کشورها معتقدند که «اقلیت‌های ملی» فقط گروه‌هایی را شامل می‌شوند که از شهروندان آن کشور تشکیل می‌شوند. (E/CN.4/Sub.2/AC.5/2005/2: para 9) این دیدگاه مورد پذیرش بسیاری از کشورها بود، اما پس از اظهار نظر ۱۹۹۴ کمیته حقوق بشر مبنی بر شرط نبودن تابعیت، دیدگاه‌ها در این باره در حال تغییر است. گروه کاری اقلیت‌ها تاکید می‌کند: «تابعیت نباید معیار متمایزکننده‌ای باشد که برخی از افراد یا گروه‌ها را از داشتن حقوق اقلیت محروم - کند» (E/CN.4/Sub.2/AC.5/2005/2: para 10)

مؤلفه دیگری که در فرایند زمانی دچار تطور شده است، موضوع شناسایی اقلیت‌هاست. تا قرن بیستم اساساً اذعان دولت‌ها به شناسایی اقلیت، مبنای موجودیت فرهنگی اقلیت‌ها محسوب می‌شد. این در شرایطی است که از اظهار نظر ۱۹۹۴ کمیته حقوق بشر درباره ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مشخص می‌شود که وجود اقلیت‌ها در کشورها بستگی به شناسایی رسمی آن دولت ندارد، بلکه وابسته به ضوابط عینی است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اقلیت‌های یونانی - بلغاری، اعلام کرد سؤال واقعی مربوط به موجودیت اقلیت‌ها است، نه شناسایی آنها در قوانین. (Pejic, 1997: 674) کمیته حقوق بشر در پاراگراف ۵ اظهار نظر عمومی ۲۳ با رد دیدگاه کشورهایی که اقلیت را صرفاً براساس زبان، مذهب یا قومیت متمایز، شناسایی می‌کنند، تاکید کرد سیاق ماده ۲۷ حاکی است که افراد مورد حمایت، اعضای گروه-هایی هستند که در یک مؤلفه فرهنگی، اشتراک دارند. (CCPR General Comment No.23, 1994: para.5)

تطور مفهومی اقلیت باعث شد که مصادیق اقلیت از گروه‌های چهارگانه مذهبی، قومی، زبانی و ملی به گروه پناهندگان، کارگران خارجی، مهاجران و مردمان بومی گسترش یابد. تاسیس دولت‌های ملی، الزامات ناشی از تحولات بین‌المللی به‌ویژه درگیری‌های قومی و مذهبی، تغییر در نگرش دولت‌ها، رویه قضایی، تقویت نهضت‌های ناسیونالیستی، توسعه حقوق بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، توسعه ارتباطات، گسترش نهادهای مربوط به اقلیت‌ها در سازمان ملل، تسری نظریه چندفرهنگ‌گرایی به روابط و حقوق بین‌الملل و فقدان تعریف حقوقی مورد اجماع از اقلیت از جمله علل تطور شکلی و محتوایی اقلیت در پنج سده اخیر است.

۸- تأثیر نظریه چندفرهنگ‌گرایی بر دگرپوشی‌های جدید درباره اقلیت‌ها

چندفرهنگ‌گرایی را می‌توان ایده گسترش و نهادینه کردن تنوع فرهنگی در چارچوب دولت - ملت از رهگذر نظام حقوقی و آموزشی و از طریق احترام به عرف‌ها و رفتارهای دینی

آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت در ادبیات و مباحث حقوق بین‌الملل ۱۴۹/

و گروهی و زبانی مختص هر فرهنگ، تعریف نمود. (میلنر، ۱۳۸۵: ۳۲۸) در چارچوب این نظریه ضرورت احترام به تنوع فرهنگی بدون هیچ پیش‌شرطی برای همه گروه‌ها مورد تأکید است.

در قالب نظریات چندفرهنگ‌گرایی، اقلیت‌ها عمدتاً مفهومی جامعه‌شناختی پیدا کرده و از این منظر اقلیت‌های غیرثابت از جمله اقلیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وارد این مفهوم شده‌اند. گیدنز بر مفهوم جامعه‌شناختی اقلیت تأکید می‌کند و معتقد است کثرت‌گرایی فرهنگی با ایجاد جامعه متکثر واقعی، باعث می‌شود خرده فرهنگ‌های متعدد و متفاوت به رسمیت شناخته شود. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۷۳۸)

تطور مفهوم اقلیت با نوع نگاه به چندفرهنگ‌گرایی ارتباط دارد و پذیرش و شناسایی اقلیت‌ها، مستلزم شناسایی چندفرهنگ‌گرایی است. «اعلامیه ۱۹۹۲» از نظریه چندفرهنگ‌گرایی تأثیر پذیرفته است؛ به طوری که گروه کاری اقلیت‌ها در تفسیر ۲۰۰۵ خود از تعهدات دولت‌ها در اعلامیه مذکور، بر آموزش چندفرهنگی تأکید می‌کند. (E/CN.4/Sub.2/AC.5/2005/2: para 66)

بسیاری از دکترین‌های جدید اقلیت‌ها متأثر از نظریه «چندفرهنگ‌گرایی» است. پارخ (Parekh) پس از توجه به جنبش‌های جدید هویتی که به رسمیت شناختن تفاوت را در صدر مطالبات خود دارند، این گروه‌ها را مشمول تعریف چندفرهنگ‌گرایی می‌داند. درحالی‌که در قالب نظریه هنجاری حقوق بین‌الملل، عناوین اقلیت‌های مذهبی، قومی، زبانی و ملی شناسایی و به اقلیت‌های عرفی تبدیل شده‌اند اما در قالب نظریه چندفرهنگ‌گرایی، اقلیت‌ها عمدتاً مفهومی جامعه‌شناختی پیدا کرده و از این منظر اقلیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و همچنین گروه‌های جدید هویتی وارد این مفهوم شده و به تطور آن کمک نموده‌اند. (زرگر، ۱۳۸۶: ۶۱۵)

تحت تأثیر نظریه کثرت‌گرایی فرهنگی، محور اصلی دکترین‌های جدید اقلیت در چشم‌انداز آینده، تلاش آنها برای عبور از مؤلفه‌های عینی اقلیت نظیر تمایزات مذهبی، قومی و زبانی و تکیه آنها بر تمایزات جدید است که شامل باورها، عادات، بینش‌ها و رفتارهای متمایز با اکثریت جامعه می‌شوند. در شرایطی که اقلیت‌های عرفی از ویژگی پایداری برخوردارند، یعنی تمایزات آنها ذاتی، پایدار و ثابت است، اما دکترین‌های جدید اقلیت بر روی تمایزات اکتسابی توجه دارند. نوعی همسویی در این دکترین‌ها با درخواست گروه‌ها، فرقه‌ها و تشکلهایی که در بسیاری از کشورها رسمیت ندارند، مشاهده می‌شود. نکته مشترک آنها تأکید بر این موضوع است که نباید معیار شناسایی اقلیت‌ها بر مؤلفه‌های مذهبی، قومی، زبانی و منشأ ملی محدود شود، بلکه باید معیارهای دیگر نیز افزوده شوند. به عبارت دیگر، بر اساس دکترین‌های جدید، هر ویژگی مربوط به یک گروه که موجب تمایز آشکار آن از اکثریت جامعه می‌شود، عامل

شناسایی آن گروه به عنوان گروه اقلیت است بشرطی که اراده جمعی و حس همبستگی میان اعضای آن گروه ولو به شکل ضمنی وجود داشته باشد. بسیاری از فرق و گروه‌هایی که در اکثریت جوامع فاقد مشروعیت و جایگاه قانونی‌اند، از دکترین‌های جدید برای تعریف اقلیت‌ها حمایت می‌کنند تا بتوانند با قرار گرفتن در قالب «اقلیت قانونی» از حقوق مندرج در اسناد حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها استفاده نمایند. چنانچه جامعه بین‌المللی بهائیان، پیشنهاد کرده که «ویژگی‌های به وضوح متمایز با اکثریت جمعیت کشور» به عنوان یکی از ممیزه‌های شناسایی اقلیت‌ها در نظر گرفته شود. (E/CN.4/1987/WG.5/WP.1:para.17)

دکترین‌های جدید اقلیت‌ها، دکترین‌های سیاسی است نه حقوقی. این دکترین‌ها را می‌توان در دو نوع کلی دسته‌بندی کرد:

دسته اول شامل دکترین‌هایی است که هدف آن شناساندن اقلیت‌های غیرثابت از جمله اقلیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که تلاش آنها در جریان تدوین پیش‌نویس «اساسنامه رم» در ۱۹۹۸ به شکست انجامید. تدوین‌کنندگان اساسنامه رم، تحت تاثیر کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی و به منظور جلب عضویت حداکثری دولت‌ها از گنجاندن اقلیت‌های غیرثابت پرهیز کردند. (Ratner, 2002: 24) این دکترین‌ها عمدتاً نگرشی جامعه-شناسانه به موضوع اقلیت‌ها دارند.

دسته دوم شامل دکترین‌هایی می‌شود که نگاهی موسع و انتزاعی به مؤلفه‌های شناسایی اقلیت‌ها دارند و عمده‌ترین معیار شناسایی اقلیت‌ها را «وجود خصوصیات رفتاری به وضوح متمایز از اکثریت جمعیت» می‌دانند که این ویژگی‌ها عمدتاً شامل باورها، عادات غریب و نگرش‌ها است. این دکترین‌ها طیف گسترده‌ای از گروه‌های ناپهنجار مانند همجنس‌گراها و فرقه‌های غیرقانونی را به عنوان اقلیت شناسایی می‌کنند که به نظر می‌رسد در چشم‌انداز آینده تطور اقلیت، باعث نوعی صف‌آرایی خواهند شد.

۹- چشم‌انداز تطور مفهوم اقلیت در حقوق بین‌الملل

تطور شکلی و مفهومی اقلیت در پنج سده گذشته نشان می‌دهد که این تطور، فرایند ایستایی نیست؛ بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چشم‌انداز تطور مفهوم اقلیت و آینده‌های محتمل آن چگونه خواهد بود؟ مؤلفه‌های چهارگانه مذهب، قومیت، زبان و منشأ ملی تاکنون نقش انحصاری در ایجاد انواع اقلیت‌ها ایفاء کرده‌اند که هرگاه با مؤلفه اندک بودن در برابر اکثریت همراه شده‌اند، موجب یک‌گونه از اقلیت شده‌اند.

برخی از پژوهشگران، شناسایی و دانش اقلیت‌ها را الیگولوژی (Oligology) نامیده‌اند. «oligo» از ریشه لاتین به معنای اندک است. امروزه برخی از پژوهشگران معتقدند کلمه اقلیت

معنای محدود پیشین را ندارد و کاربرد گسترده‌تری دارد. مفهوم امروزی اقلیت، مفهومی شمارشی نیست، بلکه این اصطلاح درباره گروه‌هایی به‌کار می‌رود که به دلیل وابستگی قومی، مذهبی، زبانی و یا غرابت رفتار و عادات از دیگر افراد جامعه متمایز می‌شوند. (خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۲۱) در گزارش گروه کاری «کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها» پیرامون نظرات مربوط به تعریف اقلیت آمده است: «برخی از ویژگی‌های اقلیت از حالت متداول برخوردارند، یعنی مربوط به ویژگی‌های متمایز قومی، مذهبی یا زبانی‌اند، اما برخی گروه‌ها خارج از این ویژگی‌ها هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. در این باره می‌توان به پیوندهای فرهنگی اشاره کرد که ممکن است از منظر قومی، مذهبی یا زبانی نباشد. در این ارتباط نمونه‌ای از کولی‌ها ذکر شده است». (E/CN.4/1987/WG.5/WP.1: para.25)

به نظر می‌رسد در چشم‌انداز آینده، «مؤلفه‌های متمایزکننده» به فراتر از مؤلفه‌های مذهبی، قومی، زبانی و منشأ ملی توسعه می‌یابد و پیوندهای فرهنگی یا شبه‌فرهنگی و «غرابت رفتار و عادات و باورها» به‌عنوان معیاری برای شناسایی یک گروه اقلیت قرار می‌گیرد. به این معنا که ممکن است گروه‌های اقلیتی در یک جامعه باشند که از نظر فرهنگی، زبانی، نژادی و مذهبی با اکثریت اشتراک داشته باشند، اما با داشتن «عادات و باورهای متفاوت» با اکثریت جامعه به‌عنوان یک گروه اقلیت شناخته شوند که حس همبستگی نیز دارند. مهم‌ترین نمونه این گروه‌ها، که در قوانین ملی برخی از کشورها به‌ویژه در اروپا و آمریکا شناسایی شده‌اند، فرقه‌های مذهبی غیررسمی و همجنس‌گراها هستند.

در طول دهه‌های اخیر تلاش‌ها برای ورود مصادیق جدید اقلیت به حقوق بین‌الملل با مقاومت روبه‌رو شده است. این رویکرد مقاومتی دولت‌ها ناشی از دو ملاحظه بوده است:

اول حقوقی که در اسناد بین‌المللی ویژه اقلیت‌ها دیده شده و تکالیف و تعهداتی که در این خصوص برای دولت‌ها ایجاد شده است بر آزادی انجام شعائر مذهبی، آموزش و کاربرد زبان، تشکیل انجمن‌ها برای صیانت از سنن و آداب فرهنگی آنها و مشارکت مؤثرشان در زندگی عمومی متمرکز است. بنابراین، این دیدگاه وجود دارد که با توجه به اشتراک گروه‌های غیرنژاد یا گروه‌های دارای «غرابت عادات» با اکثریت جامعه در فرهنگ، نژاد، مذهب و زبان نیازی به ورود آنها به دایره شمول اقلیت‌ها وجود ندارد و حقوق بشر آنها در قالب اسناد عام و خاص حقوق بشر قابل تحقق است.

دوم اینکه کشورها این نگرانی را دارند که توسعه دایره «مؤلفه‌های متمایزکننده» در شناسایی اقلیت‌ها به فراتر از معیارهای عرفی مذهبی، قومی، نژادی، زبانی و منشأ ملی باعث توسعه گسترده مصادیق اقلیت در حقوق بین‌الملل شده و بر حاکمیت آنها تاثیر منفی می‌گذارد.

۱۰- پیشران‌های تأثیرگذار بر تطور اقلیت از منظر آینده‌پژوهی

علی‌رغم مخالفت کشورها با روند توسعه شکلی و مفهومی اقلیت، پیشران‌های مؤثر بر تطور شکلی و محتوایی اقلیت در چشم‌انداز آینده را که متأثر از روندها و رویدادهای مؤثر گذشته و حال هستند، می‌توان در قالب ده عامل مطرح نمود:

۱. به دلیل اختلاف نظر کشورها، در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه ۱۹۹۲ اقلیت‌ها، تعریفی از واژه اقلیت نشده است. فقدان تعریف حقوقی مورد اجماع از اقلیت، بر تطور آن تأثیر می‌گذارد. ضمن اینکه برخی از مصادیق ادعایی اقلیت نظیر اقلیت‌های غیرثابت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از سابقه بحث در حقوق بین‌الملل برخوردارند. حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها در پی رفع اشتباهاتی است که واقعیت‌های نظام سیاسی بین‌المللی موجب تحمیل آنها به اقلیت‌ها شده است. (Macklem, 2008: 82) در پیش‌نویس کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی (۱۹۴۸)، غیر از چهار گروه (ملی، قومی، نژادی و مذهبی) گروه‌های سیاسی نیز مورد حمایت قرار گرفته بودند. (محاسب، ۱۳۸۶: ۲۸) اما بسیاری از کشورها توصیه می‌کردند اقلیت سیاسی از تعریف کنوانسیون مذکور استثناء شود. (جوانمردی صاحب، ۱۳۸۴: ۲۷)

۲. اعلامیه ۱۹۹۲، سرآغازی جدی در انفکاک حقوق اقلیت‌ها از نظام عام حقوق بشر و حرکت به سمت نظام خاص اقلیت‌ها است. ایجاد نظام خاص حقوق اقلیت‌ها باعث توسعه دایره اقلیت‌ها خواهد شد. چرا که نظام خاص اقلیت‌ها برای ارتقاء و ترویج حقوق اقلیت‌ها، ناچار است به تبیین ثغور مفهوم اقلیت براساس «تحولات جدید» بپردازد. طی سه دهه اخیر دکترین‌های مختلفی درباره اقلیت‌ها مطرح شده است که عمده ویژگی آنها توسعه عمودی (مصادیقی) و افقی (مفهومی) مفهوم اقلیت بوده است. رگه‌های چنین تطوری را می‌توان در آراء «دیوان دادگستری اروپایی» و «دیوان اروپایی حقوق بشر» در قضایای مربوط به «اشخاص وابسته به اقلیت‌ها» مشاهده کرد.

۳. افزایش نقش‌آفرینی سازمان‌های غیردولتی در تدوین اسناد حقوق بشری خاص، باعث خواهد شد که آن دسته از مصادیق جدید اقلیت که مورد اجماع کشورها نیست، در گذر زمان به‌ویژه با استفاده از ابزارهای نوین رسانه‌ای، بیشتر مورد توجه افکار عمومی قرار گیرند. نتایج یک بررسی در آلمان در ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که آموزش عمومی دولتی و غیردولتی، نقش مهمی در رعایت حقوق اقلیت‌ها توسط شهروندان و پذیرش گروه‌های اقلیت دارد. (Ziller and Berning, 2019: 93)

۴. توسعه شکل جدیدی از اسناد حقوق بشر با عنوان اسناد «نیمه‌سخت» که چارچوب غیرالزام‌آور ولی محتوای الزام‌آور دارند، باعث می‌شود که حساسیت برخی از کشورها به ورود مصادیق ادعایی جدید اقلیت‌ها به اسناد بین‌المللی کاسته شود.

۵. رویه قضایی در کشورهای غربی اغلب به دفاع از حقوق ادعایی گروه‌هایی نظیر فرقه‌های انحرافی یا همجنس‌گراها پرداخته‌اند که مؤید آن صدور حق ثبت ازدواج برای همجنس‌گراها در آمریکا و کشورهای اروپایی است. در قرن بیستم رویه قضایی در توسعه مفهوم اقلیت، پیشگام‌تر از اسناد بین‌المللی حقوق بشر بوده‌اند. چنانچه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در ۱۹۳۵ در حالی اقلیت زبانی را شناسایی کرد که در آن مقطع هنوز اقلیت زبانی وارد اسناد حقوق بین‌الملل نشده بود. این احتمال وجود دارد که احکام امروز محاکم منطقه‌ای اروپایی، بر توسعه دایره اقلیت‌ها در آینده از طریق وارد کردن گروه‌های نامتعارف نظیر همجنس‌گراها تاثیرگذار باشد. پاول جانسون در کتاب «همجنس‌گرایی و دادگاه اروپایی حقوق بشر» با بررسی آراء دیوان اروپایی حقوق بشر از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ نتیجه می‌گیرد که احکام دیوان مذکور با شناسایی همجنس‌گرایان به‌عنوان یک گروه اجتماعی، نقش مهمی در تثبیت وضعیت حقوقی آنها دارند. (Johnson, 2013: 178)

۶. علی‌رغم مقاومت نسبتاً طولانی کشورها درخصوص ورود اقلیت‌های چهارگانه عرفی به حقوق بین‌الملل، عواملی نظیر بروز درگیری‌های گسترده قومی در مناطق مختلف جهان، گسترش نهضت‌های ناسیونالیستی و ایدئولوژیکی و توسعه نظریه‌های مبتنی بر برخورد تمدن‌ها با محوریت تصادم هویت‌های قومی و مذهبی (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۳۵) و ناکارآمدی نظام عام حقوق بشر در حمایت از اقلیت‌ها، باعث تصویب اعلامیه ۱۹۹۲ شد. احتمال دارد تحولات جدید پیرامون جنبش اجتماعی هویتی در اروپا و آمریکا نیز در آینده منجر به ورود گروه‌های جدید غیرمتعارف به دایره حقوقی اقلیت‌ها گردد.

۷. با انقلاب ارتباطات و نقش گسترده شبکه‌های اجتماعی در تبادل اطلاعات و جایگاه برتر کشورهای غربی در این عرصه، احتمال می‌رود مسایل اقلیت‌های ادعایی جدید هرچه بیشتر در منظر افکار عمومی جهانی قرار گیرد؛ در نتیجه دولت‌ها ناچار شوند تغییراتی در نگرش‌های سنتی خود به این موضوع اعمال نمایند.

۸. در شرایطی که برخی از مصادیق گروه یا اقلیت نظیر کارگران خارجی، پناهندگان و معلولان هرکدام با کنوانسیون‌های ویژه در حقوق بین‌الملل مورد حمایت قرار گرفته‌اند، فرقه‌های انحرافی مانند بهائیان علی‌رغم رسمیت در برخی از کشورها نتوانسته‌اند تاکنون به چنین امتیازاتی در حقوق بین‌الملل دست یابند، اما با توجه به رویکرد سیاسی کشورها، تلاش آنها در این زمینه در چشم‌انداز آینده تشدید خواهد شد. این گروه‌ها تلاش می‌کنند در آینده به‌عنوان اقلیت شناخته شوند تا از حقوق حمایتی اقلیت‌ها مندرج در اسناد بین‌المللی به‌ویژه اعلامیه ۱۹۹۲ بهره‌مند شوند.

۹. توسعه دکترین‌های جدید پیرامون اقلیت‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکا، باعث ورود گروه‌هایی نظیر فرّغ غیررسمی و همجنس‌گراها به دایره حقوقی اقلیت‌ها از طریق شناسایی آنها در قوانین ملی شده است. با توجه به کنش‌گری فعال کشورهای غربی در تدوین حقوق بین‌الملل معاصر، و تاثیر اغراض سیاسی در این روند، احتمال دارد در آینده تحرکات جدی از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی برای تسری قوانین ملی‌شان درباره اقلیت‌های ادعایی جدید به حقوق بین‌الملل صورت گیرد.

۱۰. نظریه‌های «چندفرهنگی»، «شهروندی دموکراتیک»، «حقوق گروهی» و «فرهنگ‌گرایی لیبرال» که در حال توسعه در جوامع غربی هستند، از منظر آینده‌پژوهی به نفع شناسایی گروه‌های جدید در دایره اقلیت‌ها، و پذیرش حقوق آنها بر محوریت آموزه‌های لیبرال دموکراسی هستند. (Kymlicka, 2010: 392)

با توجه به پیشران‌های مذکور و شناخت کلی از روند تحولات، پیش‌بینی می‌شود «آینده‌های محتمل» تطور اقلیت در حقوق بین‌الملل از احتمال ورود اقلیت‌های غیرثابت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تا ورود فرقه‌های غیررسمی و همجنس‌گراها به دایره حقوقی اقلیت را شامل گردد. سناریو نامطلوب در این چشم‌انداز، ورود دو گروه اخیر به دایره حقوق اقلیت‌ها از طریق کنش‌گری فعال کشورهای غربی به‌ویژه در قالب دخالت در تفاسیر کمیته حقوق بشر یا مجمع مربوط به امور اقلیت‌هاست. بنابراین چشم‌انداز مفهوم اقلیت در آینده برای برخی از کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی چالش‌برانگیز خواهد بود.

۱۱- چشم‌انداز ورود گروه همجنس‌گراها به دایره حقوقی اقلیت

در چارچوب «آینده‌های محتمل»، یکی از «سناریوهای نامطلوب» در چشم‌انداز تطور مفهوم اقلیت در حقوق بین‌الملل، احتمال شناسایی گروه همجنس‌گراها به‌عنوان یکی از مصادیق جدید اقلیت است. در نگرش دکترین‌های جدید، اقلیت‌ها شامل گروه‌هایی با ویژگی‌های فرهنگی، رفتارهای جمعی و یا سنت‌های خاص و متفاوت با فرهنگ، رفتار و سنت‌های اکثریت جامعه است. از این منظر یکی از گروه‌ها که «غرابت عادات» دارند، همجنس‌گراها هستند که به دلیل ناهنجاری رفتاری و انحراف اخلاقی در جوامع، مذموم شمرده می‌شوند.

«پارخ» با تاکید بر اینکه جنبش‌های جدید هویتی خواستار به رسمیت شناختن تفاوت‌شان هستند، تنوع فرهنگی را در جوامع مدرن به سه دسته تنوع خرده‌فرهنگی، تنوع نگرشی و تنوع انجمنی تقسیم می‌کند. از نظر وی در تنوع خرده‌فرهنگی، اعضای چنین گروه‌هایی ضمن اشتراک با فرهنگ حاکم، در تلاشند، فضایی برای سبک زندگی متفاوت ارائه دهند؛ مثل همجنس‌گراها.

(Parekh, 2002: 3)

«لوئیس ورت» معتقد است: هر گروهی که در جامعه‌ای زندگی می‌کند و به خاطر مشخصات فیزیکی و یا فرهنگی ویژه‌اش مواجه با رفتاری نامتناسب و متفاوت با رفتار افراد دیگر جامعه شود و در نتیجه خود را موضوع یک تبعیض جمعی بداند، اقلیت به حساب می‌آید. (خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۱۱۹) این دیدگاه مبنای اقدام آمریکا و کشورهای اروپایی در شناسایی همجنس‌گراها به عنوان اقلیت در قوانین ملی‌شان است. علی‌رغم اینکه همجنس‌گرایی در اغلب کشورهای جهان به عنوان رذیلت اخلاقی، ممنوع است، اما در تعداد قابل توجهی از کشورها، قوانین ملی به همجنس‌گراها اجازه ازدواج می‌دهد. تعدادی از این کشورها که اغلب در اروپا و آمریکا قرار دارند، عبارتند از: آمریکا (۲۰۱۵)، ایرلند (۲۰۱۵)، فنلاند (۲۰۱۵)، لوکزامبورگ (۲۰۱۴)، اسکاتلند (۲۰۱۴)، انگلستان (۲۰۱۳)، برزیل (۲۰۱۳)، فرانسه (۲۰۱۳)، نیوزلند (۲۰۱۳)، اروگوئه (۲۰۱۳)، دانمارک (۲۰۱۲)، آرژانتین (۲۰۱۰)، پرتغال (۲۰۱۰)، ایسلند (۲۰۱۰)، سوئد (۲۰۰۹)، نروژ (۲۰۰۹)، آفریقای جنوبی (۲۰۰۶)، اسپانیا (۲۰۰۵)، کانادا (۲۰۰۵)، بلژیک (۲۰۰۳)، هلند (۲۰۰۰) و مکزیک (۲۰۰۹). نتایج طرح پژوهشی مؤسسه پیو نشان می‌دهد پس از ۲۰۱۰ این روند سیر تصاعدی یافته است. (Pew, 2019) با توجه به پیشران‌های اشاره‌شده در سطور گذشته و نقش فعال کشورهای غربی در تدوین قواعد حقوق بین‌الملل و تحت تاثیر نظریه‌های پارخ و ورت، ورود این نوع اقلیت‌ها به حقوق بین‌الملل در قالب اسناد توصیه‌ای در چشمانداز حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها محتمل است.

۱۲- چشم‌انداز ورود گروه فرق غیررسمی به دایره حقوقی اقلیت

در حقوق بین‌الملل دیدگاه‌های متفاوتی درباره تعریف مذهب وجود دارد. پذیرش فرقه‌ها و اقلیت‌های مذهبی از ابتدا با مقاومت جریان‌های اصلی مذهبی همراه بوده است که نمونه آن مقاومت کلیسای کاتولیک در پذیرش اقلیت‌های پروتستان و ارتدوکس بوده است. آنچه امروزه دایره مفهوم اقلیت مذهبی را با چالش جدی مواجه ساخته، وضعیت گروه‌هایی هستند که به دلیل عدم وابستگی یا تحریف ادیان توحیدی، جزء فرقه‌های انحرافی محسوب می‌شوند. این فرق اغلب هواداران معدود، اما دلبسته اصول فرقه‌ای دارند که با انزجار اکثریت جامعه مواجه‌اند. در گذشته فعالیت این گروه‌ها اغلب به صورت زیرزمینی صورت می‌گرفت، اما با توسعه ابزارهای ارتباطی، فعالیت‌های علنی آنها توسعه پیدا کرده است. آینده محتمل ورود این گونه گروه‌ها به دایره حقوقی اقلیت‌ها، متاثر از دو دیدگاه است:

یک عده از صاحب‌نظران معتقدند این گروه‌ها به خاطر نگاه منفی افکار عمومی در جامعه جزء اقلیت‌های خوارانگاشته‌شده هستند که در معرض آسیب حقوق بشری‌اند. اقلیت‌های خوارانگاشته‌شده، امروزه به نوعی نژادپرستی فرهنگی در برخی از جوامع گفته می‌شود که

خوارانگاشتن باورها و مشی زندگی افراد دیگر است. (خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۷۶) طرفداران این دیدگاه حمایت از این گروه‌ها را منطبق با اهداف حقوق بشر می‌دانند و معتقدند راهکار حمایت از این گروه‌ها، شناسایی آنها به عنوان اقلیت است.

هواداران دیدگاه دوم معتقدند که فرق غیررسمی چون فاقد رسمیت در یک کشور بوده، بنابراین نمی‌توانند صرفاً به دلیل تمایزاتی که در باورها و عادات با اکثریت جامعه دارند، به عنوان اقلیت شناسایی شوند و مورد حمایت حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها قرار گیرند؛ چرا که حمایت حقوقی از این گروه‌ها مغایر با اصل نظم عمومی جامعه است که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. از دید این عده، شناسایی یک گروه اقلیت باید براساس مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها صورت گیرد؛ چرا که ارائه دکترین‌های سیاسی و تک بعدی در موضوع اقلیت‌ها منجر به نوعی هرج و مرج در ثغور عرفی حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها شده و در نهایت به زیان گروه‌های اقلیت می‌گردد.

با وجود این، به دلایلی نظیر وجود جریان‌های حامی این گروه‌ها در کشورها، ورود کنش‌گران غیردولتی به مباحث اقلیت، رسمیت اغلب آنها در کشورهای غربی و رویکرد سیاسی اغلب کشورها به فرقه‌هایی نظیر بهائیت، از منظر آینده‌پژوهی، احتمال تلاش‌های کشورهای غربی برای وارد کردن این گروه‌ها به «دایره حقوقی اقلیت» وجود دارد.

جدول ۱: آینده‌پژوهی تطور اقلیت در حقوق بین‌الملل براساس مراحل هفت‌گانه روش «امتداد حال به آینده»

مراحل	مراحل هفت‌گانه	محورها و مصادیق
۱	درخت ارتباطات (آینده‌های ممکن)	در چشم‌انداز آینده ممکن است: - اقلیت‌های غیرثابت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وارد حقوق بین‌الملل شوند. - گروه‌های ناهنجار نظیر همجنس‌گراها و فرق غیررسمی وارد دایره حقوقی اقلیت-ها شوند. - اقلیت قومی به دو بخش اقلیت قومی و اقلیت نژادی تقسیم شود. - اقلیت «قومی ملی» وارد حقوق بین‌الملل معاصر شود.
۲	پویا افقی	- فرایند تطور و توسعه شکلی و محتوایی اقلیت‌ها در شش دوره تاریخی از قرن شانزدهم تاکنون. - نقش برجسته عناصر مذهب، قومیت، زبان و منشأ ملی در شناسایی اقلیت در حقوق بین‌الملل. - تثبیت اقلیت‌های چهارگانه عرفی در حقوق بین‌الملل.
۳	پای عمودی	- عدم ایستایی و پویا بودن روند تطور اقلیت در پنج سده گذشته. - تداوم روند توسعه شکلی و مفهومی اقلیت با محوریت تضعیف عناصر چهارگانه عرفی. - تقویت عناصر اکتسابی در شناسایی اقلیت تحت‌تأثیر دکترین‌های متأثر از نظریه چندفرهنگ‌گرایی.

		- احتمال توسعه «مؤلفه‌های متمایزکننده» در شناسایی اقلیت‌ها بر محوریت باورها، رفتارها، نگرش‌ها و غرایب عادات.
۴	پیش‌ران‌ها	- فقدان تعریف حقوقی مورد اجماع از اقلیت و مسبوق به سابقه بودن درخواست ورود اقلیت‌های غیرثابت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به حقوق بین‌الملل. - تصویب اعلامیه ۱۹۹۲ اقلیت‌ها و آغاز انفکاک حقوق اقلیت‌ها از نظام عام حقوق بشر به نظام خاص حقوق بشر و تاثیر آن بر تشدید تطور اقلیت. - افزایش نقش آفرینی گروه‌های غیردولتی در مباحث اقلیت با استفاده از ابزارهای نوین رسانه‌ای. - ورود اسناد نیمه‌سخت به حقوق بین‌الملل و کاهش حساسیت دولت‌ها به ورود اقلیت‌های ادعایی جدید به این دسته از اسناد. - رویکرد رویه قضایی در کشورهای غربی در دفاع از حقوق ادعایی فرقی غیر-رسمی و همجنس‌گراها - تاثیرات تحولات جدید با محوریت جنبش‌های اجتماعی هویتی در اروپا و آمریکا. - انقلاب ارتباطات و نقش گسترده شبکه‌های اجتماعی در انعکاس مطالبات گروه‌های جدید با روایت غربی. - رویکرد سیاسی برخی از کشورها در شناسایی و حمایت از همجنس‌گراها و فرقی غیررسمی. - توسعه دکترین‌های جدید پیرامون اقلیت‌ها در اروپا و آمریکا متأثر از نظریه چندفرهنگ‌گرایی. - کنش‌گری فعال کشورهای غربی در تدوین حقوق بین‌الملل.
۵	ترسیم آینده‌های محتمل	- ورود اقلیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به حقوق بین‌الملل. - ورود گروه همجنس‌گراها و فرقی انحرافی به دایره حقوقی اقلیت‌ها.
۶	سناریوپردازی	- سناریو مطلوب: تداوم تثبیت اقلیت‌های چهارگانه عرفی مذهبی، قومی، زبانی و ملی و عدم توسعه شکلی و مفهومی اقلیت از منظر حقوقی. - سناریو نامطلوب: شناسایی گروه همجنس‌گراها و فرقی انحرافی به عنوان مصادیق جدید اقلیت در حقوق بین‌الملل. - سناریو مرجح: تثبیت اقلیت‌های چهارگانه عرفی در حقوق بین‌الملل با محوریت اقلیت‌های مذهبی. - سناریو قابل تحمل: توسعه محدود دایره حقوقی اقلیت‌ها به اقلیت‌های سیاسی و فرهنگی.
۷	تجویز و اقدام	- همکاری دول اسلامی در جهت جلوگیری از شناسایی حقوقی گروه‌های ناپه‌ن‌جار یا غیررسمی نظیر همجنس‌گراها و فرقی انحرافی به عنوان اقلیت در حقوق بین‌الملل. - کنش‌گری فعال سازمان همکاری اسلامی. - کنش‌گری فعال کشورهای اسلامی در کمیته حقوق بشر و مجمع مربوط به امور اقلیت. - تاکید بر شناسایی حقوقی گروه‌های جدید نظیر اقلیت خوارانگاشته‌شده «کولی‌ها در اروپا».

۱۳- نتیجه گیری

اقلیت از زمان ورود خود به حقوق بین الملل معاهده‌ای در قرن شانزدهم تاکنون از منظر شکلی و محتوایی دچار تطور شده و از «اقلیت مذهبی» در قرن شانزدهم، به چهارگونه اقلیت مذهبی، قومی، زبانی و ملی در قرن بیستم توسعه یافته است. همچنین مؤلفه‌های عینی و ذهنی آن به‌ویژه از حیث ارتباط با عنصر تابعیت، قدمت سکونت و شرایط شناسایی دچار تغییر شده است. فرایند تطور اقلیت در حقوق بین الملل همواره پویا بوده است و از این منظر احتمال تداوم آن در چشم‌انداز آینده وجود دارد. براساس روش «امتداد حال به آینده» و با توجه به فرایندهای گذشته و حال، طی شش دوره تاریخی که در نوشتار اشاره شد، تطور اقلیت از سه جنبه قابل بررسی است:

جنبه اول تطور مفهوم اقلیت بر مبنای شرط تابعیت و تمایز در یکی از مؤلفه‌های چهارگانه مذهبی، قومی، زبانی یا منشأ ملی است که در قالب آن اقلیت‌های مذهبی، قومی، زبانی و ملی مطرح شده‌اند.

جنبه دوم تطور مفهوم اقلیت از منظر تغییر عناصر ذهنی و عینی از جمله حذف شرط تابعیت، قدمت سکونت و تمایز در یکی از مؤلفه‌های چهارگانه است که طی آن گروه‌هایی مانند کارگران خارجی و مهاجران نیز از حقوق حمایتی اقلیت‌ها برخوردار می‌شوند.

جنبه سوم در تطور مفهومی اقلیت براساس عدم توجه به تمایزات چهارگانه مذهبی، قومی، زبانی و منشأ ملی و شناسایی اقلیت براساس «باورها، رفتارها و عادات متمایز از اکثریت جمعیت» است که بر پایه آن مصادیق اقلیت گسترده و از اقلیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تا گروه همجنس‌گراها و فرقی غیررسمی توسعه می‌یابد.

آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت در حقوق بین الملل با جنبه سوم ارتباط دارد. تحت تاثیر پیشران‌های گوناگون از جمله: توسعه ابزارهای ارتباطی، کنش‌گری سازمان‌های غیردولتی، رویه قضایی اروپا، معین نبودن ثغور مفهومی اقلیت، فقدان تعریف حقوقی مورد اجماع از اقلیت، رویکرد سیاسی کشورها، توسعه اسناد نیمه‌سخت در حقوق بین الملل؛ تطور شکلی و مفهومی اقلیت در چشم‌انداز آینده محتمل است. توسعه شناسایی همجنس‌گراها و فرقه‌های غیررسمی در قوانین ملی آمریکا و کشورهای اروپایی، و همچنین مشروعیت‌دهی به این گروه‌ها در قالب دکترین‌های متأثر از نظریه چندفرهنگ‌گرایی لیبرال، نشان می‌دهد که در چشم‌انداز آینده، تلاش کشورهای غربی برای وارد کردن دو گروه مذکور به دایره حقوقی اقلیت تشدید خواهد شد. دکترین‌های جدید با تضعیف یا نادیده گرفتن نقش عناصر عینی چهارگانه عرفی در شناسایی اقلیت‌ها، و تاکید بر مؤلفه‌هایی نظیر رفتارها و باورهای متفاوت؛ همجنس‌گراها و فرقی

آینده‌پژوهی تطور مفهوم اقلیت در ادبیات و مباحث حقوق بین‌الملل ۱۵۹/

غیررسمی را وارد دایره مفهومی اقلیت کرده‌اند. تقویت احتمال سناریو نامطلوب «ورود گروه-های انحرافی نظیر بهائیت و همجنس‌گراها» به دایره حقوقی اقلیت، یکی از منظر سابقه کنش‌گری فعال کشورهای غربی در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل و دیگری تاثیر رویکرد سیاسی کشورهای غربی در حمایت از این گروه‌هاست. از منظر آینده‌پژوهی، این موضوع چالش جدی برای کشورهای اسلامی محسوب می‌شود که در آموزه دینی و اصول حقوقی آنها، دو گروه مذکور مذموم و ممنوعند. با توجه به جدی بودن آینده محتمل تطور اقلیت، کنش‌گری فعال سازمان همکاری اسلامی و تعامل حقوقی کشورهای اسلامی به‌ویژه در کمیته حقوق بشر و مجمع مربوط به امور اقلیت، در جهت جلوگیری از شناسایی حقوقی گروه‌های ناپه‌نجا یا غیررسمی نظیر همجنس‌گراها و فرق انحرافی ضروری است. در این روند دول اسلامی می‌توانند به‌عنوان مثال روی شناسایی حقوقی گروه‌های جدید از اقلیت‌ها نظیر اقلیت خوارانگاشته‌شده «کولی‌ها در اروپا» که در دایره اقلیت‌های چهارگونه عرفی قرار نمی‌گیرند، اما از عادات فرهنگی متفاوت از جوامع اروپایی برخوردارند، متمرکز شوند.

کتابنامه

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل کیفری*. تهران: میزان.
۲. بی‌نا. (۱۳۸۴). *روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی*. بنیاد علمی توسعه فردا. تهران: نشر گلبان.
۳. پانوف، میشل. پرن، میشل. (۱۳۶۸). *فرهنگ مردم‌شناسی*. ترجمه اصغر عسگری. تهران: ویس.
۴. جوانمردی، مرتضی. (۱۳۸۴). «نسل زدایی: ساختار عناصر جرم». *مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران*. ۶۸: ۴۸-۱.
۵. حبیب نژاد، سیداحمد، (۱۳۹۵)، *حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر*. تهران: مجد.
۶. خوبروی‌پاک، محمدرضا. (۱۳۸۰)، *اقلیت‌ها*. تهران: شیرازه.
۷. زرگر، افشین. (۱۳۸۶). «نظریه هنجاری روابط بین‌الملل در جهان معاصر». *فصلنامه سیاست خارجی*. ۲۱(۳): ۵۹۹-۶۳۶.
۸. شریفی طرازکوهی، حسین. قره‌باغی، عبدالله. (۱۳۸۹). «تحلیل قاعده منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل». *مجله حقوقی بین‌المللی*. ۲۷(۴۲): ۳۱-۶۳.
۹. عزیزی، ستار. (۱۳۹۴). *حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل*. تهران: نشر شهر دانش.

۱۰. کریمی مله، علی. (۱۳۸۶). «چندفرهنگ‌گرایی و رهیافت‌های مختلف آن». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۲(۸): ۲۱۱-۲۴۸.
۱۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*. منوچهر صبوری‌کاشانی. تهران: نی.
۱۲. لسانی، حسام‌الدین. (۱۳۸۲). «جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر». *اندیشه‌های حقوقی*. ۱(۳): ۱۲۹-۱۵۳.
۱۳. لیندرگرن، متس. (۱۳۹۰). *طراحی سناریو، پیوند میان آینده و راهبرد*. عبدالعزیز تاتار. تهران: مؤسسه تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۴. محاسب، مهین دخت. (۱۳۸۶). *کشتار جمعی*. تهران: گنج دانش.
۱۵. میلنر، آندرو. (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*. جمال محمدی. تهران: ققنوس.
۱۶. نیوری زاده، بهنام. (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، روش‌ها*؛ تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۷. هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵). «درگیری‌های سیاسی پس از جنگ سرد. مجتبی امیری». *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*. ۱۰۹ و ۱۱۰: ۳۵-۲۶.

References

1. Akayesu Case, (1998), *Prosecutor V. Akayesu Jean-Paul*, ICTR, Judgment of 2 September 1998.
2. Anonymous (2005). *Methods of technology foresight. Tomorrow Development Foundation*. Tehran: Golban Publishing. (In Persian)
3. Ardabili, Mohammad Ali (2008). *International Criminal Law*. Tehran: Mizan. (In Persian)
4. Azizi, Sattar. (2015). *Protection of minorities in international law*. Tehran: Shahr-e-Danesh Publishing. (In Persian)
5. Bruke, Terry, (2004), *Long Term Housing Futures for Australia*, Australian Housing and Urban Research Institute.
6. Capotorti F, (1985), *Study on the Right of Person Belonging to Ethnic, Religious and linguistic Minorities*, New York, Deep Publication.
7. Castellino J , (2016), *Globl Minority Rights*. Farnham: Ashgate publishing, 656 P.
8. CCPR General Comment No.23, (1994), Rights of Minorities, Article 27.
9. E/CN.4/1987/WG.5/WP.1.1987. Commission on Human Rights, Available from: <https://undocs.org/pdf?symbol=en/E/CN.4/1987/WG.5/WP.1> [accessed 13 June 2018].
10. E/CN.4/Sub.2/AC.5/2005/2, (2005), Commentary of the Working Group on Minorities, Available from: <https://undocs.org/en/E/CN.4/Sub.2/AC.5/2005/2>. [accessed 7 June 2018].

11. Fahey, Lain ,(1998), ***Learning From the Future***, Palgrave, maemillan.
12. Giddens, Anthony. (2008). ***Sociology***. Manouchehr Saburi Kashani. Tehran: Ney.(In Persian)
13. Habibnejad, Seyed Ahmad, (2016), ***Cultural rights of ethnic minorities in Iran and international human rights instruments***. Tehran: Majd.(In Persian)
14. Hough G, (2019), ***The Peace of Augsburg and the Meckhart Confession***. Routledge.
15. Huntington, Samuel. (1996). "Political conflicts after the Cold War. "Mojtaba Amiri." ***Journal of Political and Economic Information***. 109 and 110: 35-26.(In Persian)
16. Johnson, p (2013), Homosexuality and the European court of human rights , Talor&Francis Group
17. Juanmardi, Morteza (2005). "Genocide: The Structure of the Elements of Crime." ***Journal of the Faculty of Law, University of Tehran***. 68: 48-1.(In Persian)
18. Karimi Melleh, Ali. (2007). "Multiculturalism and its different approaches". ***Journal of Political Science***. Volume 2. 8: 248-211.(In Persian)
19. Khobroye pak, Mohammad Reza. (2001), ***Minorities***. Tehran: Shirazeh.(In Persian)
20. Krasner S, (2018), ***The Westphalian Model and Minority-Rights Guarantees in Europe*** ,University of Bremen.
21. Kymlicka W, (2010), ***Minority Rights in Political Philosophy and International Law***, Oxford: Oxford University Press.
22. Lindergrén, Mats. (2011). ***Scenario design, the link between the future and strategy***. Abdul Aziz Tatar. Tehran: Defense Industries Research Institute.(In Persian)
23. Lisani, Hesamuddin. (2003). "The position of minorities in international human rights". ***Quarterly Journal of Legal Thoughts***. first year. 3: 153-129.(In Persian)
24. Macklem P, (2008), Minority Rights in International law, ***International Journal of constitutional law***, No.3 &4, 6: 531-552.
25. Milner, Andrew. (2006). ***An Introduction to Contemporary Cultural Theory***. Tehran: Gognous Publishing.(In Persian)
26. Mohaseeb, Mahin Dokht. (2007). ***Mass killing***. Tehran: Ganj-e-Danesh.(In Persian)
27. Nepuri Zadeh, Behnam. (2009). ***Future Research; Concepts, methods;*** Tehran: Future Center for Defense Science and Technology Research.(In Persian)
28. Ortakovski V, (2000), ***Minorities in the Balkan***. Netherlands: Brill – Nijhoff.
29. Panoff, Michelle. Pern, Michelle. (1989). ***Anthropological culture***. Translated by Asghar Asgari. Tehran: Weiss.(In Persian)

30. Parekh B, (2002), **Rethinking Multiculturalism, Cultural Diversity and Political Theory**. Massachusetts: Harvard University Press.
31. Pejic J, (1997), Minority Rights in International Law. **Human Rights Quarterly**, The Johns Hopkins University Press, 19 (3): 666-685.
32. Petričušić A, (2005), The Rights of Minorities in International Law, **Croatian International Relations Review**, 38/39: 1-23.
33. Pew, (2019), Same-Sex Marriage Around the World. Pew Research Center, Available from: <https://www.pewforum.org/fact-sheet/gay-marriage-around-the-world/>, October 28 [accessed 09 January 2019].
34. Ratner SR, (2002), **Accountability for Human Rights Atrocities in International Law**, Oxford: Oxford University.
35. Rehman J, (2000), **The Weaknesses in the International Protection of Minority**, Netherlands: Brill - Nijhoff.
36. Sharifi Tarazkoohi, Hossein. (2010). "Analysis of the rule prohibiting discrimination against minorities in international law." **International Law Journal**. Year 27. 42: 63-31.(In Persian)
37. Slaughter R, (2005), **Glossary of Futures Term, Foresight International**, Knowledge of Future Studies.
38. Surhone I, (2010), **Treaty of Oliva**, Hill: betascript publishing.
39. Sweeney, John, (2016), The Three Tomorrows of Post normal Times, **Future**, No.75, pp: 1-13
40. Thornberry P, (1991), **International Law and the Rights of Minorities**. Oxford: Clarendon Press.
41. Zargar, Afshin. (2007). "Normative Theory of International Relations in the Contemporary World". **Foreign Policy Quarterly**. Year 21. 3: 636-599.(In Persian)
42. Ziller C, Berning C, (2019), Personality traits and public support of minority rights, **Journal of Ethnic and Migration Studies**, Vol. 44.
43. Zylfiu I, (2015), The Issue of Minorities in the Balkans. **Proceeding of International Conference on Political Science**. Kosovo, Nov 7, pp: 78-85.